



بررسی تطبیقی سیمای حضرت زینب (س) در شعر معاصر عربی و فارسی

* فرشته حیدری

** ا.د. تورج زینی‌وند

*** د. محمدابراهیم مالمیر

چکیده

یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام که همواره مورد ستایش شاعران عربی و فارسی قرار گرفته است، حضرت زینب کبری (س) بزرگ بانوی اسلام، ملقب به عقیله بنی هاشم و پرچمدار ابلاغ پیام نهضت عاشورا می‌باشد. برجسته ترین مضمونی که در شعر معاصر عربی و فارسی در باب این شخصیت بزرگ مطرح است، تأکید شاعران بر پایداری و میراث‌داری قیام کربلا از سوی ایشان بوده است. البته، پیوند این شخصیت با جریان مقاومت کنونی جهان عرب و مسأله دفاع مقدس در ایران از جنبه‌های برجسته و مشترک شعر معاصر عربی و فارسی است. افزون بر این، تصویرگرایی رخداد عاشورا با محوریت زینب (س) از جنبه‌های مشترک شعر معاصر عربی و فارسی است. پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر، با بهره گیری از چارچوبهای نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی به تحلیل محتوایی سیمای

* کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

** استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. T_zinivand56@yahoo.com

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

تاریخ الاستلام: ۲۰۲۲/۱/۱۲ تاریخ القبول: ۲۰۲۲/۲/۱۲

فردی و اجتماعی حضرت زینب (س)، در شعر شاعران برجسته معاصر عربی و فارسی پرداخته و به دنبال پاسخ به این پرسش است که وجوه تمایز و تشابه دیدگاه شاعران حاضر در ترسیم سیمای حضرت زینب (س) در چه زمینه‌هایی است؟ با بررسی کمالات و ویژگیهای حضرت زینب (س) در این آثار، این نکته حاصل گردید که تمام ویژگیهای یک انسان کامل، در شخصیت آن بانوی گرامی در حد درجات عالی وجود داشته است. آنچه در زندگی حضرت زینب (س) عمومیت ویژه‌های یافته، همراهی ایشان با برادر بزرگوارشان در حادثه عاشورا و سپس مدیریت کاروان حسینی است، نکته بارز در این اشعار آن است که مضامینی چون صبر، شجاعت، اسارت و فصاحت و بلاغت ایشان از وجوه اشتراک شعر فارسی و عربی میباشد.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، شعر معاصر عربی و فارسی، حضرت زینب (س)، عاشورا، شعر مقاومت، شعر متعهد.

۱- مقدمه

در شعر فارسی و عربی به طور گسترده به بررسی ابعاد شخصیتی حضرت زینب (س) پرداخته شده است. این بانوی بزرگوار با پایداری، شجاعت، سخنوری و بلاغت خود نهضت امام حسین (ع) را جاودانه کرد. حضور حضرت زینب (س) در مدایح و مرثیاتی شاعران ادب فارسی و عربی بیانگر عظمت و تأثیر انکارناپذیر ایشان در قلمرو ادبیات است. این امر، تنها مربوط به شاعران گذشته و نزدیک به واقعه عاشورا نبوده، بلکه توصیف ویژگی‌های شخصیتی این بانوی بزرگوار در شعر و ادب معاصر نیز جلوه‌ای پررنگ و نمودی تازه داشته است.

فصاحت و بلاغت حضرت زینب (س) زبانزد عام و خاص بوده و ایشان از جمله فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین افراد روزگار خود بوده است. همین امر باعث شد که بعد از واقعه عاشورا آن خطبه‌ها و اشعار غزا و کوبنده را ایراد نموده و کاخ ظلم یزید و یزیدیان را درهم بکوبد. واقعه کربلا، همواره مورد توجه شاعران دو ادب عربی و فارسی بوده

است و شعرآنان از دیرباز تاکنون جلوه‌گاه جنبه‌های مختلف شخصیتی مردان و زنان حاضر در این واقعه بوده و در شناساندن و زنده نگه داشتن این حماسه بزرگ نقش بسزایی را ایفا کرده است. نهضت عاشورا، تنها بارشادتها و از جان گذشتگی مردان و دلاوری‌های آنان به ثمرنرسیده است، بلکه پا به پای مردان، زنان بزرگ و حماسه‌سازی چون حضرت زینب (س) در پیشبرد این قیام و جاودانه ساختن آن نهضت، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند.

زینب کبری (س) دوّمین بانوی بزرگ خاندان گرامی پیامبر اکرم (ص) است. حیات ایشان آکنده از فضایل، کرامات و رشادت‌ها بوده و به عنوان الگوی زنان فداکار در همه اعصار تاریخ مورد توجه بوده و هست. بررسی شعر معاصر عربی و فارسی بیانگر آن است که سیمای حضرت زینب (س) در شعر فارسی نسبت به شعر عربی، نمود بیشتری داشته است. حضور وی در تمامی مراحل واقعه کربلا به چشم می‌خورد، مخصوصاً بعد از شهادت امام حسین (ع) و یارانش و نیز مصائبی که بعد از این واقعه و اسارت برآنان وارد شد. به هر حال، آن حضرت نقش بنیادی در زنده نگه داشتن قیام امام حسین (ع) و مقاومت در برابر جریان ستم و کفر داشته است.

این پژوهش که در چارچوب ادبیات تطبیقی می‌باشد و اهمیت و ضرورت اصلی آن، رویکرد تطبیقی آن با محوریت شعر معاصر عربی و فارسی است، بر آن است تا به بررسی نمونه‌های شعری شاعران برجسته معاصر عربی و فارسی در خصوص نقش حضرت زینب (س) در رخداد کربلا پردازد و در پی پاسخگویی به این پرسش است که مهم‌ترین مضامین فردی و اجتماعی مشترک و متمایز شعر معاصر عربی و فارسی در مدح حضرت زینب (س) کدامند؟

پیشینه پژوهش

در شعر معاصر عربی و فارسی اشارات فراوانی به جلوه‌های شخصیتی حضرت زینب (س) شده و توصیفات در باب صبر و استقامت و دلاوری‌های ایشان بیان گردیده است، اما این توصیفات در یک مجموعه مستقل و منظم گردآوری نشده

است و در دیوان‌های شاعران به صورت پراکنده به چشم می‌خورد. از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه بررسی سیما و شخصیت حضرت زینب (س) در شعر معاصر فارسی و عربی می‌توان به مقاله «السيدة زينب في مرآة شعر عاشوراء المعاصر (دراسة المقارنة بين الأدبين الفارسي والعربي)» نوشته طیبه سیفی و نرگس انصاری (۱۳۹۳ش) اشاره کرد که به بررسی ابعاد شخصیتی حضرت زینب (س) در شعرنتی چند از شاعران معاصر زبان فارسی و عربی پرداخته‌اند. کامران شرفشاهی (۱۳۹۲ش) در مقاله «تجلی حضرت زینب (س) در شعر عاشورایی» در مجله کتاب نقد، کرامات و فضایل شخصیتی حضرت زینب (س) را در شعر عربی و فارسی بصورت کلی و بدون تطبیق و مقایسه بیان کرده است که البته ماهیت عنوان پژوهش ایشان نیز چنین اقتضاء می‌نموده است.

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش توصیفی-تحلیلی حاضر بر اساس نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی صورت گرفته که «این نظریه را دکتر طه ندا و دکتر حسین مجیب المصری با انجام پژوهش‌های تطبیقی میان آثار ادبی ملل اسلامی مطرح کردند. نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی ملهم از اندیشه وحدت‌گرایانه علامه اقبال لاهوری است که ادبیات را عامل وحدتبخش میان ملتهای اسلامی میدانند.» (به نقل از: پروینی، ۱۳۸۹: ۵۵) در این پژوهش، شعر متعهد معاصر صد سال اخیر بررسی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و جستجو در فضای مجازی ابیات گردآوری شده و سپس مورد تحلیل و بررسی محتوایی قرار گرفته و در اکثر موارد اقدام به ترجمه ابیات نمودهایم.

۲- پردازش تحلیلی موضوع

همانطور که پیش از این نیز اشاره گردید، یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام و رخداد کربلا که همواره مورد ستایش شاعران متعهد فارسی و عربی قرار گرفته است. با توجه به مراحل مختلف و نوع حضور زینب (س) در جریان حادثه عاشورا، محورهای شخصیتی مختلفی را میتوان برای ایشان در نظر گرفت که در

ادامه به ذکر مهمترین و برجستهترین این ابعاد پرداخته میشود.

۱-۲. بردباری و شکیبایی

زینب (س)، آموزگار بزرگ شکیبایی و استقامت در رخداد عاشورا است؛ زیرا ایشان در سختترین شرایط و در طاقت فرساترین حوادث سر تسلیم و رضایت در برابر پروردگار فرود آورد و آنچنان بردباری پیشه کرد که باعث شگفتی دوست و دشمن گردید. مقاومت در برابر دشواریها و نشان ندادن ضعف و زبونی در انجام وظایف، از ویژگیهای شایسته زینب کبری (س) است. این ویژگی، چنان در وی جلوه نموده است، که همواره از ایشان با عنوان اسوه صبر و استقامت یاد می شود. بی گمان بردباری حضرت زینب (س) همانند دیگر اعضای این خاندان مطهر، برخاسته از بینش و نگرش توحیدی ایشان بوده است.

عبدالمنعم الفرطوسی^۱ از جمله شاعرانی است که در وصف شکیبایی و بردباری حضرت زینب (س)، او را به هنگام مصایب مانند قلب حسین (ع) صبور دانسته و جایگاه ایشان را در معرفی نهضت حقیقی امام (ع) بزرگ داشته است: چنین گفته است:

۱. هِيَ قَلْبُ الْحُسَيْنِ صَبْرًا وَبَأْسًا

عِنْدَ دَفْعِ الْخُطُوبِ وَالْإِزْرَاءِ

۲. وَخَتَامًا وَفِي عَظْمِ الْبَلَاءِ

شَارَكَهُ بِنَهْضَةِ الْحَقِّ بَدَاءً

(الفرطوسی، ۱۹۷۸، ج ۳: ۳۷۳۰)

(ترجمه: او در شکیبایی و شجاعت و به هنگام دفع سختیها و مصیبتها، قلب حسین است. او در آغاز نهضت حق حسینی مشارکت داشته و در پایان و به هنگام تیرگی فتنه و بلانیز حضور داشته است.)

احمد وائلی^۲ ایشان را بانوی شکیبایی می داند که با وجود بلاها و مصیبت هایی که دیده اند، استقامت و بردباری بی نظیرو بی مانندی داشته اند:

وَرَزَايَا بِلَا مَثِيلٍ وَلَكِنَّ
عِنْدَكَ الصَّبْرُ مَا لَهُ مِنْ مَثِيلٍ
(الوائل، ۱۳۷۰: ۱۴۳)

(ترجمه: با وجود مصیبت‌ها و بلاهای بی‌مانندی که بر تو آمد، شکیبایی تو چنان بود که نمی‌توان نمونه‌ای برای آن (صبر) بیان کرد.)

سیدرضا الموسوی الهندی^۳ نیز در قصیده «فی رثاء الحسین (ع)» مصیبت‌های حضرت زینب (س) را همچون مصیبت‌های مادرش فاطمه (س) دانسته و او را در شکیبایی به پدرش مانند نموده است:

۱. وَذَكَرْتُ إِذَا وَقَفْتُ عَقِيلَةً حَيْدَرَ
مَذْهُولَةً تُضْغِي لِصَوْتِ أَخِيهَا
۲. بِأَبِي السَّيِّ وَرِثْتُ مَصَائِبَ أُمِّهَا
فَعَدْتُ تُقَابِلَهَا بِصَبْرٍ أَبِيهَا
۳. لَمْ تَلُهُ عَنِ جَمْعِ الْعِيَالِ وَحَفْظِهِمْ
بِفِرَاقِ إِخْوَتِهَا وَفَقْدِ بَنِيهَا
(الموسوي الهندي، ۱۴۰۹: ۴۷)

(ترجمه: ۱. به یاد آوردم آن هنگامی را که عقيله حیدر مدهوش ایستاده و گوش فرامیداد که صوت برادرش را بشنود. ۲. پدرم فدای آن بانویی باد که مصیبت‌های مادرش را به ارث برد و با صبر پدرش با آنها مقابله کرد. ۳. فراق برادران و از دست دادن پسرانش باعث نشد که او جمع کردن و حفاظت از خانواده را فراموش کند.) بولس (پولس) سلامه^۴ در «ملحمة الغدير» هنگامی که به ارائه تصویر گفتگوی امام حسین (ع) با زینب کبری (س) و دیگر زنان حرم می‌پردازد، ایشان را توصیه به صبر نموده و اینکه افراد عاقل و حکیم لباس صبر برتن کرده و در برابر سختیها بردباری پیشه میکنند و بی‌ارزشی دنیا و ذلت مرگ را در برابر روح‌های بزرگ و آماده تصویر می‌کند؛ با عباراتی تازه و تمثیل و استدلالی غیر تقلیدی و بدیع از زبان امام حسین (ع) با خواهرش به گفتگو مینشیند:

بررسی تطبیقی سیمای حضرت زینب (س) در شعر معاصر عربی و فارسی

۱. فَدَعَاهُنَّ لِأَضْطَبَارِ حُسَيْنٍ
فَكَأَنَّ الْمِيَاهَ تُظْفِيءُ نَارًا
 ۲. قَالَ: إِنَّ مِثَّ فَالْعَزَاءُ لَكِنَّ
اللَّهُ يَهْمِي مِنْ جُودِهِ أَمْطَارًا
 ۳. يَلْبَسُ الْعَاقِلُ الْحَكِيمُ لِبَاسِ
الصَّبْرِ إِنْ كَانَتْ الحُطُوبُ كِبَارًا
- (سلامه، ۱۹۴۸: ۲۶۳)

(ترجمه: ۱. حسین آنان را به شکیبایی فرا میخواند گویی که آبها آتشی را خاموش میکنند. ۲. حسین گفت: اگر مردم، شکبیا باشید اما بدانید که خداوند کریم، باران رحمت خویش را بر ما عطا میکند. ۳. فرد داناى عاقل در سختیها و مصائب بزرگ، لباس صبر و شکیبایی برتن میکند.)

سعید العسلی^۵ متخلص به «شاعر الحزین»، در اهمیت صبر و بردباری و توصیف شکیبایی زینب کبری (س)، از بیتابی و گریه زینب (س) سخن گفته و توصیه امام حسین (ع) به صبر و شکیبایی را در شب عاشورا به زینب کبری (س) بیان کرده است؛ جایی که از خواهر خواسته در قبال شهادت ایشان اندوهگین نگردد و مواظب باشد که شیطان بردباری و توان وی را ضایع نگرداند؛ زیرا جایگاه و آسایشگاه صابران و شهیدان بهشت برین خواهد بود:

۱. وَبَكَتْ حَنَانًا وَالْدُّمُوعُ تَسِيلُ
مِنْ جَفْنٍ بِهِ تَتَوَقَّدُ الْأَحْزَانُ
 ۲. قَالَ الْحُسَيْنُ وَقَدْ تَهْدَجَ صَوْتُهُ
لَا تَحْزَنِي فَلَنَا الْجَنَانُ أَمَانُ
 ۳. أَخْتَاهُ إِنْ الصَّبْرَ خَيْرٌ وَسِيلَةٌ
لَا يَذْهَبَنَّ بِحِلْمِكَ الشَّيْطَانُ
- (العسلي، ۱۴۰۶: ۳۰۰-۳۰۱)

(ترجمه: ۱. زینب شروع به گریه کردن نمود و اشکها سیلوار از چشمش میبارید،

چشمانی که از اندوه میسوخت. ۲. حسین در حالی که صدایش ضعیف شده بود گفت خواهرم اندوه موز که بهشت آسایشگاه ماست. ۳. (گفت) خواهرم شکیبایی بهترین وسیله است، نکند که شیطان بردباری تو را از بین ببرد.)
 بردباری زینب کبری (س) در شعر معاصر فارسی نیز به فراوانی تجلّی یافته است؛ سید حسن حسینی^۶ تمامی حالات این بانوی بزرگوار را همراه با صبر و وقار بیان میکند و در ضمن ابیاتی، حتّی پلک زدن ایشان را نیز بردبارانه ترسیم میکند، وی خشم و غضب زینب کبری (س) در برابر دشمنان را خشمی صبور و همراه با بردباری میداند:

پلک صبور میگشایی / و چشم حماسهها / روشن میشود / کدام سرانگشت
 پنهانی / زخمه به تار صوتی تو میزند / که آهنگ خشم صبورت / عیش مغروران را
 منغّض میکند / / تاریخ زن / آبرو می گیرد / وقتی که پلک صبور می گشایی / و
 نام حماسی ات / بر پیشانی دو جبهه نورانی می درخشد / زینب! (حسینی، ۱۳۸۶: ۶۵)

سلمان هراتی^۷ نیز از کاشتن بذر صبر حضرت زینب (س) در سرزمین کربلا اینگونه سخن می گوید:

ای اتفاق گرم / با ما بگو / زینب کجا گریست ؟ / زینب کجا به خاک فشانید /
 بذر صبر؟ / بر ماسه های توای گردباد مرگ / وقت درنگ ناقه دلتنگی / زینب چه
 مینوشت؟ (هراتی، ۱۳۶۸: ۶۴)

طاهره صفارزاده^۸، زینب (س) را سالار صبر میدانده که با توجّه به مصائبی چون شهادت فرزندان، برادران و برادرزادگان با علم و صبر بی مانند خود، داغدیدگان کربلا را تسکین و آرامش میداد:

سالار صبر / بی عون / بی محمّد / بی شکوه از شهادت فرزندان / مغموم واقعه
 نزدیک در دشت فتنه خیز / با آب علم و صبوری / بغض گلوی یکایک را آرام
 می کند. (صفارزاده، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۵)

محمّد جواد غفورزاده (شفق)^۹، از زبان حسین (ع) خطاب به خواهرش زینب

(س) از ایشان میخواهد که مسأله اسارت و مشاهده سربریده برادر و مصائب دیگر را با صبر جمیل و نیکویی که در شأن او باشد تحمّل کند:

رو مهیای اسارت باش با صبر جمیل

تا ندیدی برفرازی سرم را زینیم

(غفورزاده، ۱۳۸۵: ۴۹)

قاسم رسا^۱، تلمیحی زیبا به داستان صبر ایوب پیامبر و همچنین طوفان نوح (ع) داشته است. وی زینب کبری (س) را در بردباری هم شأن حضرت ایوب و حتی برتر از ایشان میدانند و بیان میکند شکیبایی که زینب (س) در برابر مصائب عاشورا و پس از آن از خود نشان داد، بسیار برتر از صبر ایوب بوده است و در ادامه، حادثه کربلا را به طوفان نوح تشبیه نموده و بر آن برتری داده است و طوفان نوح را نیز در مقایسه با طوفان سرخ حسینی ناچیز دانسته است:

صبر زینب ز شکیبایی ایوب گذشت حیرت نوح ز طوفان حسین است امروز

(رسا، ۱۳۴۰: ۳۹۷)

روزی که تازیانه تنش را کبود کرد افلاک در برابر صبرش سجود کرد

(همان: ۲۷۸)

سید رضا مؤید^{۱۱}، صبر حضرت زینب (س) را نشانهای از «صبر خدای زینب» میدانند و آن را هدیه‌های از جانب پروردگار محسوب میکند. وی معتقد است این زینب (س) بود که با هنر صبر و شکیبایی، پرچم سرخ قیام عاشورا را بعد از حسین (ع) و شهادت یارانش برپای نگه داشت:

ماجرای کربلا شرح بلای زینب است

عصر عاشورا شروع کربلای زینب است

شرح صدرش در نمیآید به فهم اهل دل

صبر زینب آیت صبر خدای زینب است

پرچم سرخی که عاشورا به خاک و خون فتاد

بر سرپا باز با صبر و رضای زینب است

(مؤید، ۱۳۷۳: ۱۰۴)

حسین اسرافیلی^{۱۲} مفهوم صبر را در برابر بردباری حضرت زینب (س) شرمنده معرفی کرده است:

صبر از روی شکیش، شرمگین
مهر، از پیشانی او خوشه چین
(اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۲۵)

سید حمیدرضا^{۱۳} بر قعی در توصیفی زیبا زینب (س) را به «کوه صبر» تشبیه کرده است و این یک تشبیه مرکب است که ریزش اشک گرم از چشم او، چون ریزش گدازه‌های داغ از دامنه کوه است:

چون تکیه گاه اهل حرم بود و کوه صبر
چشمش گدازه ریخت ولی زیر معجزش
(برقی، ۱۳۹۲: ۳۴)

برقی در بیت زیر «صبور بلا» را استعاره از حضرت زینب (س)، کوه «منا» را استعاره از بلندی تل زینبیه و «قلب قافله» را استعاره از امام حسین (ع) دانسته و در توصیف بردباری زینب (س) او را فردی صابر در هنگام هجمه بلاها معرفی کرده است:

بگو صبور بلا در منا چه حالی داشت
که در تلاطم خون دید قلب قافله را
(همان: ۳۸)

قیصر امین پور^{۱۴}، دل زینب (س) را در بردباری، به دریایی وسیع تشبیه کرده و غم و اندوه او را به اندازه صدها آسمان ابری میداند. وی جاری شدن اشک از چشمان زینب (س) را به بارش ابرمانند کرده و او را بانویی میداند که حتی صبر از بردباری ایشان خسته و ناتوان گشته است. شاعر در ترسیم این تصویر از آرایه تناسب که یکی از عوامل زیبایی آفرین کلام است استفاده کرده است که به گفته خانلری «هر نوع تناسب و قرینه سازی میان اجزای پراکنده، وحدتی پدید می‌آورد که ادراک

مجموع اجزاء را سریعتر و آسانتر میکند و همین نکته سبب احساس آسایش و لذت میشود.» (ناتل خانلری، ۱۳۵۳: ۵-۶) بین کلماتی چون دریا، طوفان، ابر، آسمان و بارش اشک، تابلو زیبایی از غم و صبرایشان را ترسیم کرده است:

دلش دریای صدها کهکشان صبر
غمش طوفان صدها آسمان ابر
دو چشم از گریه همچون ابر خسته
زدست صبر زینب، صبر خسته
(امین پور، ۱۳۷۳: ۵۳)

شجاعت و شهامت

زینب کبری (س) که پرورش یافته شجاعترین عرب است، در زیارتنامه‌ی مشهورش نیز به «لبوة الهاشمیة» (شیرزن هاشمی) (حسینی، ۱۳۸۱: ۳۵) لقب گرفته است. آن حضرت، در روز عاشورا بر سر دشمنان فریاد می‌زد و آنان را تحقیر می‌کرد و از کسی هراسی به دل راه نمی‌داد. در مجلس یزید، او را مردی فاسق و فاجر نامیده و تحقیر و توبیخش می‌کرد. وی در برابر دشمنان به ظاهر پیروزش، شجاعانه ایستادگی کرده و از حق دفاع نمود.

ابراهیم علوان النصیراوی^{۱۵} در بیان شجاعت حضرت زینب (س) می‌گوید:

تَضُمُّ فِي كَفِّهَا قَلْبًا وَجِلًّا
وَعَزْمُهُمَا يَتَحَدَّى ظَالِمًا رَغْمًا
(الحسن، ۱۴۱۸: ۲۵۰)

(ترجمه: قلبی هراسان در دستش با خود به همراه دارد در حالی که عزم و اراده‌اش،

ستمکاران مغرور را به مبارزه فرا می‌خواند.)

احمد وائلی، این ویژگی شجاعت و دلاوری زینب (س) را برگرفته از شجاعت

امام علی (ع) می‌داند:

إِذَا رِي فَالزَّيْبُ عِنْـدَكَ إِرْتُ
وَمَزَاجُ الأُسُودِ إِرْتُ الشُّبُولِ

(الوئلي، ۱۳۷۰: ۱۴۳)

(ترجمه: غرّش کن (فریاد بزن)! که غرّش میراث توست همانطور که مزاج شیران، ارثی است که به شیربچگان می‌رسد.)
همودر جای دیگر زینب (س) را دختر حیدر و صدای حق و حقیقت می‌داند که از شجاعت، شکیبایی و پایداری بهره‌ها برده است و از این رو، مزارش کعبه و مقصد عاشقان گردیده است:

۱. هُهُنَا بِنْتُ حَيْدَرٍ تَرَأُ
تَحِمِّي أَشْبَالَهَا وَتَدُو
۲. هُهُنَا زَيْنَبُ نَسِيحٍ هُوَ الْإِقْدَامُ
وَالصَّبْرُ كُلُّهُ وَالصُّمُودُ
(همان: ۱۴۷)

(ترجمه: ۱. اینجا دختر حیدر آرمیده است، شیری که می‌غرّد و از شیربچگانش حمایت می‌کند. ۲. اینجا زینب (س) آرمیده است، فرد یگانه‌ای که همه شجاعت، شکیبایی و پایداری است.)

سعید العسیلی، حضرت زینب (س) را مانند شیری زخمی و غرّان میدانند که بعد از آن همه مصائب و زخمهای عمیق عاشورا، می‌غرّد و چنان نعره میزند که از تأثیر فریادش، لرزه بر قامت عالم افتاده است:

أَوْ لَبْوَةٌ زَارَتْ بُعَيْدَ جَرَّاحِهَا
فَتَزَلَّزَلَتْ لِزَيْرِهَا الْأَقْتَطَارُ
(العسیلی، ۱۴۰۶: ۵۴۵)

(ترجمه: او شیری است که کمی بعد از مجروح شدن می‌غرّد و از غرّش او همه جا به لرزه در می‌آید.)

این مضمون در شعر فارسی معاصر نیز تجلی یافته است، حمید سبزواری^{۱۶}، زینب (س) را از زبان امام حسین (ع) توصیف کرده است؛ وی را برای برادرش همسن‌گرو خواهری دلیر میدانند که در میدان نبرد مانند شیری می‌غرّد و همه‌جا سخن از دلیری

اوست که دلیران روزگار در برابر عزم و اراده او حیرت‌زده و انگشت بردهان مانده‌اند:
همسنگ‌برادز: / ای خواهر دلیر / ای در صف نبرد / کوشنده همچو شیر / /
هرجا سخن ز مردی و مردانگی تست / هر سونشان ز گردی و فرزانیگی تست / تو آن
دلاوری که دلیران روزگار / انگشت بردهان!! / در پیشگاه عزم تو تعظیم می‌کنند /
(سبزواری، ۱۳۶۷: ۴۴۲-۴۴۳)

قاسم رسا برای بیان شجاعت زینب (س)، او را به حسین (ع) مانند می‌کند و معتقد است که ایشان شجاعت و دلاوری خویش را از برادر و پدرش که به شیر خدا و شجاع عرب معروف است به ارث برده است و گفته که وی آنقدر شجاع است که حتی اگر خفته باشد نیز، زهره شیران شجاع از ترس او آب می‌شود:

آب گردد زهره شیران در این صحرا، مگر
دختر شیر خدا خفته در این صحراستی
در شجاعت چون حسین و در شکیبایی حسن
در بلاغت چون علی عالی اعلاستی
(رسا، ۱۳۴۰: ۹۸)

موسوی گرمارودی^{۱۷}، نیز شجاعت و دلیری زینب (س) را با تعبیر «سرمشق کمال شیرمردی» بیان کرد است:

در بیشه سرخ غم نوردی
سرمشق کمال شیرمردی
(موسوی گرمارودی، ۱۳۶۸: ۱۵۲)

۲-۳. فصاحت و بلاغت

بعد از واقعه عاشورا و مصیبت‌هایی که بر حضرت زینب (س) و اهل بیت (ع) وارد شد، ایشان به عنوان پیامبر کربلا، رسالتی عظیم و خطیر را بر عهده گرفت. وی با وجود آن همه مصیبت و فاجعه عظیم، با کلامی بژنده و گویا و آتشین قیامتی بر پا کرد و یزیدیان و دشمنان اسلام و قاتلان امام حسین و یارانش را رسوا ساخت. فصاحت، بلاغت، منطق و استدلال حضرت زینب (س)، دشمنان را وادار به

سکوت و تسلیم کرد. بیان گویای آن حضرت و خطبه‌های آتشینش نهضت و قیام امام حسین (ع) را جاودانه ساخت و هدف از این قیام را برهمگان روشن کرد. این ویژگی حضرت زینب (س) در شعر شاعران معاصر عربی و فارسی به تصویر کشیده شده است.

مهدی مطر^{۱۸} حضرت زینب (س) را در بلاغت همانند علی (ع) می‌داند:

فَإِذَا تَجَمَّهَرَتِ النُّفُوسُ وَأَنْصَتَتْ
لِبِلَاغَةِ تَحْكِي (عَلِيًّا) فَخُطِّبِي
وَدَعِيَ الْعِيُونَ وَإِنْ تَفَجَّرَ غَيْضُهَا
تَنْهَلُ مِنْ شَجْوِ الْمُصَابِ بِصَيِّبِ
(شبر، ۱۹۸۹، ج ۱۰: ۹۰)

(ترجمه: ۱. و آنگاه که همگان گرد هم آمده و ساکت شوند، به بلاغتی که یادآور بلاغت علی (ع) است، خطبه‌ای بران. ۲. چشم‌های دشمنان را رهاکن و اگر خشمشان فوران کند از اندوه مصیبت تو، برایشان باران می‌بارد.)
احمد وائلی، تأثیر سخنان فصیح زینب (س) را در ماندگاری قیام کربلا، هم شأن خون والای حسین (ع) می‌داند:

إِنَّمَا الطَّفُّ مِنْ حُسَيْنٍ دِمَاءٌ
شَامِخَاتٌ وَمِنْكَ قَوْلٌ سَدِيدٌ
(الوائلی، ۱۳۷۰: ۱۴۷)

(ترجمه: ای زینب! آنچه از کربلا به یادگار مانده است، خون والای حسین (ع) و سخنان محکم و پیرصلابت تو است.)

تَفَرَّعِينَ الْخُصْمُومَ بِالْمَنْطِقِ الْفَضْلِ
فِيَأْتِي الدَّلِيلَ تَلَوَّ الدَّلِيلِ
(همان، ۱۴۳)

(ترجمه: توبا برهان قاطع و استدلال‌های پی در پی و سخن محکم و حکیمانه دشمن را سرکوب ساختی و سرجایش نشانیدی.)

هنگامی که سخن از شجاعت و دلیری، فصاحت و بلاغت، ایثار و جوانمردی ایشان به میان می‌آید، سیمای ایشان در آئینه شخصیت علی (ع) نمایانده می‌شود. از شاعران عرب معاصر که به این امر همت گمارده است می‌توان به سعید العسلی اشاره کرد که فصاحت و بلاغت حضرت زینب (س) را با اشاره به بلاغت کلام پدر بزرگوارش بیان می‌کند:

۱. وَلَمَنْ تَجَمَّعَ أَوْمَاتٌ بِإِشَارَةِ
عَلَوِيَّةٍ كَأَنَّهَا الْإِنْدَارُ
 ۲. سَكْتُوا كَأَنَّ الطَّيْرَ فَوْقَ رُؤْسِهِمْ
قَدْ حَامَ وَاتَّجَهَتْ لَهَا الْأَبْصَارُ
 ۳. قَالَتْ وَمَنْطِقُهَا فِيضٌ كَأَنَّهُ
بَحْرُ الْبَيَانِ دَوَى بِهِ الْأَعْصَارُ
 ۴. وَكَأَنَّ مَا هِيَ بِالْفَصَاحَةِ فَاطِمٌ
أَوْ حَيْدَرٌ وَهُوَ الْفَتَى الْكَرَّارُ
- (العسلي، ۱۴۰۶: ۵۴۵)

(ترجمه: ۱. و برای آنکه جمع شده بودند با اشاره‌ای علوی که گویی بیم و اندازی هشدار آخرت) است، اشاره نموده‌ای. ۲. دشمنان ساکت شدند. گویی پرنده‌ای سرگردان بالای سر آنان، در پرواز است و چشمهای آنان بدان خیره شده است. ۳. سخنرانی و بیانش همچون دریای بیان است که طوفان آن را متلاطم ساخته است. ۴. او در فصاحت، گویی فاطمه یا حیدر جوانمرد کَرَّار است.)

در بیان محمد علی مجاهدی^{۱۹} فصاحت گفتار و شیوایی بیان زینب کبری (س)، میراثی است که از پدرش علی (ع) به ارث رسیده است و زینب (س) کسی است که زبان برنده علی بن ابیطالب (ع) را در کام دارد. مجاهدی تأثیر کلام ایشان را به تیزی شمشیر ذوالفقار تشبیه کرده است و اوست که هیبت و سطوت پدر در گفتار و رفتارش نمود پیدا کرده است. وی در بیانی تلمیحی به ماجرای قرآنی طوفان نوح (ع)، کلام زینب (س) را به طوفانی آن چنان حیرتزا مانند کرده که نوح (ع)، عظمت

طوفان خویش را در برابر آن به هیچ انگاشته است:

زینب ای شیرازهٔ أم الكتاب ای به کام تو زبان بوت‌راب
 ای بیانت سر به سر طوفان خشم نوح می‌دوزد به طوفان تو چشم
 در کلامت هیبت شیر خدا در زیانت، ذوالفقار مرتضی
 (مجاهدی، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۶)

حسین اسرافیلی کلام زینب (س) را در فصاحت و بزرگی، به بزرگی شمشیر
 حضرت علی (ع) مانند کرده است:

زینبی داری که چون تیغ علی (ع) خطبه‌هاش حیرت‌فزای دشمن است
 (اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۶۸)

هم علی را وارث نطق و بیان هم حسینش را وفادار و حبیب
 در فقاقت، نکته‌سنجی تیزبین در بلاغت، بی‌همانند و رقیب
 (همان، ۸۶)

محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار^{۲۰} در توصیف شجاعت حضرت
 زینب (س) از او با عنوان شیرزاد علی یاد می‌کند که شجاعانه در برابر یزید ایستاده و
 خطبه‌هایی کوبنده بیان نموده و دستگاه ستم وی را چنان کوبیده که یزید همچون
 ماری افسرده و شکست خورده شده است:

رسید نویت زینب که شیرزاد علی است جهان به حیرت از این سربلند خاتون شد
 به دوش، پرچم آتش گرفتهٔ اسلام به قصر این زیاد و یزید ملعون شد
 چنان بکوفت به تبلیغ دستگاه یزید که خود یزید چو مار فسرده افسون شد
 (شهریار، ۱۳۸۵: ۴۹۲)

قادر طهماسبی (فرید)^{۲۱}، نقش مؤثر حضرت زینب (س) را در ماندگاری قیام
 عاشورا بسیار زیبا به تصویر می‌کشد و بیان می‌کند که سخنوری این بانوی بزرگوار و
 استواری ایشان، عاشورای حسینی را جاودانه کرد. اگر نهضت فکری و برنامهٔ اسارت
 و خطبه‌های کوبنده و سوزان زینب کبری (س) در کوفه و شام نبود، واقعهٔ عاشورا
 و قیام کربلا در همان بیابان غم‌زای تاریک کربلا مخفی و دفن گشته و برای همیشه

تاریخ به دست فراموشی سپرده می‌شد:

سزنی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود
کربلا، در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود
چهره سرخ حقیقت بعد از آن طوفان رنگ
پشت ابری از ریا، می‌ماند اگر زینب نبود
چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان
در کویر تفتت جا می‌ماند، اگر زینب نبود
در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب
پشت کوه فتنه‌ها می‌ماند، اگر زینب نبود
(طهماسبی، ۱۳۷۵: ۵۴)

خوشدل تهرانی^{۲۲}، زینب (س) را سخنوری توانا میدانند که با اسب بلاغت خویش

بریزید و قوم او تاخته و آنان را خوار و نابود کرده است:

لب گشود و بست درهای مفربر روی خصم
چون به شهر شام زینب وارد دروازه شد
تاخت با اسب بلاغت بریزید و قوم او
دختر شیر خدا (خوشدل) چو بر جمازه شد
(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۷۶۳)

اسارت حضرت زینب (س)

پس از واقعه عاشورا، حضرت زینب (س) بازمانده‌ای بود که دلاورانه و با منطقی روشن تلاش نمود تا حادثه کربلا را زنده نگاهدارد. وی هر چند به اسارت دشمن در آمده بود، اما هرگز تن به ذلت اسارت نداد، بلکه اسارت گیرندگان را در ذلت و خواری نشان داد. آنتوان بارا نویسنده مسیحی، به جریان اسارت زینب کبری (س) و اهل بیت امام حسین (ع) اشاره کرده و علت این اسارت را شرح داده است: «این از حکمت الهی است که اسیران به صورت تحقیق‌آمیز بر پشت شتران از کوفه به دمشق برده شوند، تا مردم فاجعه را بیش از آنچه که در باره قتل حسین (ع) شنیده‌اند و دیده‌اند، با دیدن این اسیران درک کنند و این همان هدفی است که شهید به خاطر آن، زنان و کودکان و شیرخواره خود را به همراه آورد تا گواهان و زبانهایی باشند که مظلومیت او را بیان کنند.» (بارا، ۱۳۸۱: ۱۰۵) احمد الوائلی، در قالب ابیاتی به

ستایش این بانوی بزرگوار می‌پردازد و اسارت ظاهری ایشان را همراه با عزت و بزرگی حقیقی وصف می‌نماید:

۱. وَمَنْ وَقَفَتْ تَكْشِفُ السِّرَّ عَنْ

جِهَادِكِ فِي مَنْطِقِ مُعْرَبٍ

۲. وَمَنْ هِيَ فِي السَّيِّ لِكِنَّهَا

تَمْرُغٌ مِنْ جَبْهَةِ الْمُشْتَبِي

(الوائل، ۱۳۷۰: ۱۰۲)

(ترجمه: ۱. آنکه مردانه ایستاد و با منطق روشن و گویای خود، پرده از اسرار جهاد تو بر گرفت. ۲. همان که در اسارت دشمن بود اما پیشانی اسیرکنندگان را بر خاک ذلت مالید.)

محسن ابوالحب^{۳۳} نیز با وجود ستایش حضرت زینب (س) در جریان اسارت، تصویری همراه با خواری و دشواری به مخاطبان عرضه می‌کند. وی حال ایشان و سایر بانوان خاندان اهل بیت (ع) را در حالی که اسیر دشمن هستند و روزگار عزت ایشان را به خواری تبدیل نموده است، توصیف میکند که این اسرا در حالی شب را به صبح رساندند، که دشمن با خشونت از آنان می‌خواست برای اسارت آماده شوند:

۱. لِيَرَوْا بَعْدَهُمْ كِرَائِمَ عِرِّ

زَلَزَلِ الدَّهْرُ عِرَّهَا زَلْزَالًا

۲. أَضْبَحَتْ وَالْعَدُوُّ أَضْبَحَ يَدْعُو

إِسْحَابِي الْيَوْمَ لِكِسْبِ أذْيَالًا

۳. ذَهَبَ الْمَانِعُونَ عَنْكَ فِقُومِي

وَالْبِيسِي بَعْدَ عِرِّكَ الْإِذْلَالَ

۴. أَنْتِ مَهْتُوكَةٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ

فَأَنْزِعِي الْعِرَّ وَالْبِيسِي الْأَغْلَالَ

(به نقل از: البحراني، ۱۴۲۶: ۵۷۹)

(ترجمه: ۱. تا پس از آنکه روزگار، عزّت ایشان را به خواری تبدیل نمود، حال آن بزرگواران عزیز را بینند. ۲. صبح نمودند در حالی که دشمن با خشونت می‌گفت: امروز دامنه‌ایتان را برای اسارت جمع کنید. ۳. مدافعان حریم تورفت‌هاند (کشته شده‌اند) برخیز و امروز بعد از آن همه بزرگی و عزّت، لباس خواری بپوش. ۴. به هر حال توهتک حرمت شده‌ای، عزّت را از تن خویش بردار و زنجیر بپوشان.)
 سید محمد جمال الهاشمی^{۲۴} با دید ذلّت به این مسأله نمینگرد، بلکه آن را مایهٔ سرفرازی ایشان در دنیا و آخرت دانسته است:

۱. إِنْ يَكُ السَّبْطُ بِالشَّهَادَةِ
 قَدْ عَاشَ فَقَدْ عَشِتِ بِالإِسَارِ بَقَاءً
 ۲. لَمْ يَكُنْ قَتْلُهُ بِأَكْثَرِ مِنْ سَبْيِكَ
 بَلْ فِي نَظْرَةِ الخُلُودِ جَزَاءً
 (الهاشمي، ۱۹۸۵، ج: ۱، ۲۴۳)

(ترجمه: ۱. اگر نوادهٔ پیامبر (امام حسین) با شهادت باقی و جاودانه ماند، تو (ای زینب) در اسارت جاودانه شدی. ۲. اسارت تو کمتر از شهادت او نبود بلکه در نگاه آخرت جاودانه، آن را پاداشی است.)

شاعران برجستهٔ معاصر فارسی ماجرای اسارت حضرت زینب (س) را به طور گسترده و با الفاظی بدیع و نودر شعر خود مطرح کرده‌اند. سید حسن حسینی، صحنهٔ به اسارت رفتن زینب کبری (س) و زنان و کودکان کاروان حسین (ع) را به سیلی از جمعیت زخم‌دار تشبیه کرده است که برهنه و بدون حجاب به اسارت برده میشوند:

به آینده / اشارتی روشن بود / آن سیل زخم‌دار اسارت / که در بستری برهنه
 میرفت. (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۹)

همودر جای دیگری حضرت زینب (س) را به خورشید و اشتران کاروان را نیز به کوه‌هایی برهنه و بی‌جهاز، که زینب (س) چون خورشیدی درخشان بر روی آنان به اسارت می‌رود تشبیه کرده است:

و خورشید / برکوهان کوههای برهنه / به اسارت میرفت. (همان: ۶۲)
 خوشدل تهرانی، اسارت زینب کبری (س) را در گفتاری شاعرانه توصیه و سفارشی
 از سوی حسین (ع) میدانند و بیان میدارد که امام حسین (ع) به خواهرش فرموده
 است «اسیرشود» «تا جهان» و «جهانیان» «از قید هرپلیدی آزاد» شوند و از اسارت
 وی درس آزادگی و بزرگی بگیرند:

شهی که گفت بفرخنده خواهرش زینب
 اسیر شو که شود از تو عالمی آزاد
 بکوب فرق عدو ز آتشین خطابه خویش
 که هست بر سر خصمان چوپتکی از پولاد
 چونان که گفت خواهر خود را اسیر باش
 آزاد تا جهان شود از قید هرپلید
 (خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۷۵۸-۷۵۹)

سید رضا مؤید، اسارت زینب کبری (س) را در حالی که در غل و زنجیر ظاهری
 اسارت است عین آزادگی دانسته و در شعروی، اگر چه دشمن بیخرد و سفیه در پی
 آزار و اذیت ایشان است اما، این بانوی دلیر علت به اسارت رفتن خویش را براندازی
 پایههای کاخ ستم دشمنان دانسته است:

پای در سلسله و دست به دامان وصال
 دشمن از بی خردی در پی آزار من است
 دشمنم بسته به زنجیرولی غافل از آن
 که برانداختن ریشه‌ی وی کار من است
 (مؤید، ۱۳۷۳: ۱۴۸)

قاسم رسا از امام حسین (ع) درخواست میکند؛ وضعیّت زینب (س) را در اسارت
 بنگرد که تنها و بدون برادر و حامی، به سفر اسارت رهسپار کوفه و شام میگردد و
 از ایشان میخواهد که از جای برخاسته و خواهرش را در این راه همراهی کند. وی
 همچنین از به اسارت رفتن غریبانه و تنهای زینب (س) به سوی دیار کوفه و شام

که روزگاری محلّ زندگی و حکومت پدرش حضرت علی (ع) بوده تأسّف و حسرت خورده و از روزگار متعجّب است که چرا حرمت ایشان را نگه نداشته و به اسارت دشمنان درآورده است:

نگاهی ای امیر کاروان سوی اسیران کن
که خواهر بی برادر می رود سوی سفر امشب
می رود سوی سفر خواهر و بر خیز ز جای
که کسی هم سفر شام ندارد امشب
(رسا، ۱۳۴۰: ۳۹۸)

زینب کبری کجا و کوفه و شام و اسارت
پاس ناموس الهی را ادا کردی، نکردی
(همان: ۳۹۲)

سفارش امام حسین (ع) به اسیر شدن حضرت زینب (س) در شعر غفورزاده اینگونه بیان گردیده است:

رو مهتّای اسارت باش با صبر جمیل
تا ندیدی بفرزانی سرم را زینبم
(غفورزاده شفق، ۱۳۸۵: ۱۵۰)

اصالت و نجابت حضرت زینب (س)

شاعران معاصر عربی و فارسی، در شعر خود ضمن توصیف شخصیت حضرت زینب (س)، به ذکر نسب و مدح خاندان ایشان پرداخته اند و از پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه زهرا (س)، امام حسین (ع) و... یاد می کنند و این بانوی بزرگوار را با تعابیری چون دختر فاطمه، شیرزاد علی، نوّه پیغمبر و... معرفی می کنند که در زیر به ذکر نمونه هایی می پردازیم:

جوزف الهاشم^{۲۰} در بیان نسب زینب (س)، او را فرزند علی و فاطمه و پاکدامن ترین زنان جهان معرفی کرده و وی را به مریم (ع) پاکدامن مانند کرده و حتّی برای ایشان

برتری داده و می گوید:

۱. لَا تَسْأَلِي يَا بِنْتَ الْإِسْلَامِ عَنْ قَلَمِي
إِنْ رَاحَ يَشُدُّ وَمِثْلَ فَمِي
۲. يَا بِنَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا بِنَّ عَلِيٍّ
وَأَيَّ مَجْدٍ تَرَاهُ بَعْدُ، فِي الْقِمَمِ؟
۳. يَا بِنَّ خَيْرِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، سَمَتْ
كَطَهْرِ مَرْيَمَ، فِي قُدْسِيَّةِ الرَّحِمِ
(الهاشم، ۱۴۲۰: ۵۷)

(ترجمه: ۱. ای بانوی اسلام (زینب) از قلمم می پرس (شگفتی و حیرت نکن) که اگر بخواید از اهل بیت (ع) سخن بگوید، همچون زبانم به نغمه سرایی (غزل سرایی) درباره ایشان در می آید. ۲. ای فرزند فاطمه زهرا (س) و علی (ع) پس از این در جستجوی کدامین بزرگی در قلّه ها هستی؟ (آیا بازهم افتخاری فراتر از آنچه به آن رسیده ای هست که در قلّه ها بینی؟) ۳. ای فرزند برترین زنان جهان که در پاکدامنی و پاکی رحم همانند پاکدامنی حضرت مریم (ع) است، که بر همه برتری یافت.)

احمد الوائلی در تمجید از اصل و نسب نکوی زینب کبری (س)، وی را بانوی قومی می داند که چه در زمان جاهلیت و چه پس از اسلام از خاندان های اصیل بوده اند و ایشان را آمیخته ای از روحیه جهادی علی (ع)، هدایتگری محمد (ص) و شکیبایی بتول می داند:

۱. يَا بِنْتَ الْمَجْدِ فِي مَدْيِ آلِ فَهْرٍ
وَأَبْنَةَ الْوَحْيِ فِي مَدْيِ جِبْرِئِيلِ
۲. يَا مِرَاجًا بِهِ جَهَادٌ عَلَيَّ
وَهُدًى أَحْمَدٌ وَصَبْرٌ الْبَتُولِ
(الوائلي، ۱۳۷۰: ۱۴۳)

(ترجمه: ۱. ای دختر بزرگوار در سلسله نسب قوم «فهر» و دختر وحی در کنار

جبرئیل. ۲. ای آنکه روحیه جهادی علی (ع)، هدایتگری محمد (ص) و شکیبایی بتول در او آمیخته شده است.

۱. اصْعَدِي يَا ابْنَةَ الْجِهَادِ فَعُقْبِي
وَثَبَاتُ الْمُجَاهِدِينَ صُعُودُ
 ۲. وَأَشْمَخِي يَا حَفِيدَةَ النَّبِيِّ
بُورِكَ الْجِدُّ شَامِخًا وَالْحَفِيدُ
 ۳. يَا ابْنَةَ الْمُرْتَضَى عَلِيٍّ وَمَنْ شَا
دَ مِنْ الدَّيْنِ سَيْفُهُ الْمَعْتَهُودُ
 ۴. يَا أُمَّتِ دَادَ الزَّهْرَاءِ تُنَمُّ أَيْهَهَا
يَا تُرَى هَلْ لِعَبْدٍ هَذَا مَزِيدُ
- (همان: ۱۴۶)

(ترجمه: ۱. اوج بگیرای دختر جهاد و مبارزه! چرا که استواری و مقاومت مجاهدان مایه تعالی و اوج ایشان است. ۲. متعالی شوای نوه پیامبر! مرحبا بر جد و نوه ای که هردو والا مقامند. ۳. ای دختر مرتضی علی (ع)! که شمشیر معروفش، بنیان اسلام را مستحکم ساخت. ۴. ای ادامه نسب زهرا! (س) و پدر زهرا! آیا بنده ای هست که بیشتر از تو از این نعمت و افتخار بهره مند باشد؟)

بولس سلامه از زینب (س)، با عنوان بانویی پاکدامن و درخشان و «دخترِ دخترِ رسول خدا» یعنی دختر فاطمه (س) یاد کرده است که خداوند متعال کرامت قدر و علو مرتبه ایشان را از آسمان والا به زینب (س) اعطا کرده است:

۱. زَيْنَبُ الطُّهْرِ وَالْبَهَاءِ أَفَاضَ
اللَّهُ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ الْبَهَاءِ
 ۲. بِنْتُ بِنْتِ الرَّسُولِ جَمَلَهَا الْبَارِي
فَصَاغَ الْجَمِيلَةَ الْعَذْرَاءَ
- (سلامه، ۱۹۴۸: ۲۹۳)

(ترجمه: ۱. زینب پاک و درخشان که خداوند او را از آسمان والا، روشنی و کرامت

داده است. ۲. دخترِ دختر رسول خدا که آفریدگار او را گرامی و نیک داشته است و جمال و کمال مریم عذراء را به او عطا فرمود.)

اصالت و نجابت حضرت زینب (س) در شعر معاصر فارسی نیز مورد ستایش و تمجید شاعران قرار گرفته است:

دختِ علی و گهر فاطمی
شُهرتُها عقیلةُ الهاشمی
زینِ ابِ خودِ علی مرتضی
آیهٔ تسلیم و کریمهٔ رضا
(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۷۹۰)

حبیب الله چایچیان^{۲۶}، از شاعران معاصر فارسی است که در اشعارش، زینب کبری (س) را نوهٔ پیغمبر و دختر علی (ع) و فاطمه (س)، خواهر حسین (ع) و «قهرمان کربلا نامیده»، که بزرگترین «بانوی عاقل و دانای بنی هاشم» است و در این راه از اصالت و نجابت خاندان پیامبر (ص) بیشترین بهره را برده است:

جدّ او بود محمّد، پدرش بود علی مادرش فاطمه، تابنده بنور ازلی
(چایچیان، ۱۳۷۷: ۱۱)

بود زینب مهین بانوی زنهای بنی هاشم که بود عاقلترین بانوی دانای بنی هاشم
(همان: ۴۶)

دختر زهرا و فرزند علی اُخت الحسین قهرمان کربلا، اُم المصائب زینب است
(همان: ۱۲۱)

حجاب

زینب کبری (س) بانویی سرشار از بینش و بصیرت بود که با سیره و سخن خود «فرهنگ برهنگی» و «برهنگی فرهنگی» دیروز و امروز را مورد تعریض قرار داد و با این کار، الگویی ماندگار از شخصیت خویش را به یادگار گذارد و معیارهای حرکت ارزشی و ضد ارزشی را برای همیشه ترسیم کرد. (مجلسی، بی تا، ج ۴۵: ۱۳۴)

وی با الهام از پیام آسمانی قرآن و طبق آموزه‌های مادرش، حجاب و عفاف را مانند گوه‌ری ارزشمند برای یک زن مسلمان میدانست و براین باور بود که زن هنگامی به خدای خود نزدیک‌تر است و شایستگی گوه‌رآفرینش را پیدا میکند که خود را در صدف حجاب حفظ نماید. «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَ أَيْتِكُمْ وَرِيْشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (اعراف / ۲۶) ترجمه: «ای فرزندان آدم، در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است، و [لی] بهترین جامه، [لباس] تقوا است. این از نشانه‌های [قدرت] خداست، باشد که متذکر شوند.»

این بانوی بزرگ برای صیانت از مرزهای حجاب و عفاف بر سرزید فریاد می‌زند: «آیا این از عدالت است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده بنشانی و دختران رسول خدا را به صورت اسیر به این سو و آن سوبکشانی؟ نقاب چهره آنها را دریدی و صورت‌های آنان را آشکار ساختی.» (جعفری، ۱۳۶۸: ۷ / ۳۹۹-۴۰۰) (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۱۷۸)

در شعر معاصر عربی و فارسی، بحث حجاب و عفاف حضرت زینب (س) به صورت گسترده به تصویر کشیده شده است. شاعران بسیاری در ترسیم سیمای حضرت زینب (س) به مضمون حجاب و عفاف، چادر و روپوش این حضرت پرداخته‌اند، که در زیر به نمونه‌هایی اشاره می‌گردد.

سیدرضا موسوی الهندی، اسارت حضرت زینب (س) و دیگر بانوان کاروان کربلا را در حالی که دشمن آنان را با خواری سوار بر شتر کرده و روسری و چادر آنان را از سرشان برگرفته‌اند، توصیف می‌کند و اشاره می‌کند که در آن روزها «هیبت و جلالت» آن بانوان، تنها پوشش و حجاب آنان بوده است:

۱. وَيَضُنُّونَ نِسْوَتَهُ وَيُبَدِي زَيْنَبًا

مِنْ خِدْرِهَا وَسَكِينَةَ وَرُبَابِهَا

۲. لَهْفِي عَلَيْهَا حِينَ تَأْسِرُهَا الْعِدَى

ذُلًّا وَتُرْكِبُهَا النَّيَاقَ صَعَابَا

۳. وَتُبِيحُ نَهَبِ رِحَالِهَا وَتَنِيْبُهَا
عَنْهَا رِحَالَ النِّيبِ وَالْأَقْتَابَا
۴. سُلِبَتْ مَقَانِعُهَا وَمَا أَبَقَتْ لَهَا
حَاشَا الْمَهَابَةَ وَالْجَلَالَ، حِجَابَا
(الموسوي الهندي، ۱۴۰۹: ۴۳)

(ترجمه: ۱. زنان خود را در پرده نگه میدارد و زینب و سکینه و رباب را از پرده بیرون آورد. ۲. وای بر من از آن روزی که دشمنان، ایشان را همراه با خواری سوار برشتران به اسارت گرفتند. ۳. غارت کردن آنان را مباح شمرد و آنان را سوار برهودجها کرد. ۴. روسری (حجاب) ایشان گرفته شد و آنان را چیزی جز هیبت و جلالت، به عنوان حجاب، باقی نماند.)

سعید العسیلی در مجموعه شعر عاشورایی «ملحمة كربلاء» که در بیش از شش هزار بیت سروده است به نقل ماجرای اسارت حضرت زینب (س) و دیگر بانوان حرم امام حسین (ع) به صورت مفصل اشاره می‌کند که در ضمن ابیاتی از آن روسری و پوشش را از ایشان برگرفته و بدون حجاب و پوشش آنان را سوار بر مرکبهای بدون جهاز به اسارت می‌برند:

۱. وَحَائِرَاتُ مِنَ الْأَسْتَارِ قَدْ بَرَزَتْ
تَمْشِي سِرَاعًا بِثَوْبِي ذِلَّةٍ وَسَبَا
۲. تَسْرِي بِهِنَّ الْعَدَى فَوْقَ الْمَطَا عُنْفًا
إِلَى الشَّامِ وَبُرْدُ الصَّوْنِ قَدْ سَلِبَا
(العسیلی، ۱۴۰۶: ۵۴۵)

(ترجمه: ۱. بدور از پوشش‌ها، در لباس اسارت به سرعت رانده می‌شوند. ۲. دشمنان ایشان را سوار بر مرکب‌ها در حالی که بدون پوشش هستند به شام می‌برند.)

العسیلی در ابیات زیر از زینب (س) و زنان پاکدامنی سخن می‌گوید که حتی در خواب هم فکر نمی‌کردند نیکوکاران بنی هاشم و دیگران چادر و حجاب آنان

را به چشم ببینند؛ اما اکنون اسیر دشمنانی ستمگر گشته‌اند که زیورآلاتشان را غارت کرده و حجاب را از روی سروصورت ایشان برگرفته و آنان را بیحجاب و خوار کرده‌اند:

۱. وَسَبُّوا نِسَاءً لَا يَزُورُ خُدُورَهُمَا
طَيْفٌ مَخَافَةٌ أَنْ يُرَى الْأَبْرَارُ
 ۲. فَغَدَوْنَ عِنْدَ عَدُوِّهِنَّ حَوَاسِرًا
صِفْرَ الْوُجُوهِ أَسَى وَهِنَّ أَسَارَى
 ۳. سَلَبَ الطَّغَاةُ مُحْلِيَهُنَّ وَلَمْ تَدْعُ
أَيْدِي الضَّلَالَةِ بُرْقَعًا وَخِمَارًا
- (همان: ۵۵۶)

(ترجمه: ۱. زنانی را اسیر کردند که حتی خیالی از ترس اینکه مبادا نیکوکاران چادرهای آنان را ببینند، نمیدیدند. ۲. اما اکنون نزد دشمنشان سربرهنه شدند، نقابی به چهره ندارند و اسیر شدند. ۳. ستمگران زیورآلات آنان را ربودند و دستان گمراهی، روسری و پوششی باقی نگذاشت.)

وی در ابیاتی به ماجرای فریاد کشیدن زینب (س) برای پاسداری از مرزهای عفاف و حجاب برسرریزید اشاره کرده آن هنگام که گفت: «آیا این از عدالت است که ما سربرهنه و بیحجاب باشیم در حالی که پوشش و حجاب مشتاق ماست و ما اینگونه سختی بکشیم در حالیکه زنان قصر تو پشت پرده‌ها و حجاب‌هایی پوشیده شده‌اند و از دید نامحرمان محفوظند و در نعمت و رفاه میباشند در صورتی که ما فرزندان پیغمبر (ص) باید بیحجاب در برابر نامحرمان حاضر شویم»:

۱. أَمِنَ الْعَدَالَةَ يَا زَيْدُ بِأَنَّنا
قَيْنِدُ الْإِسَارِ يَهُزُّنَا التَّغْذِيبُ
۲. أَمِنَ الْعَدَالَةَ أَنْ نَكُونَ حَوَاسِرًا
وَلَنَا حِجْرٌ الْخِذْرُ وَالْتَّحْجِيبُ
۳. وَنِسَاءٌ قَصْرِكَ رَاتِعَاتٌ فِي الْمُنَى

خَلَفَ الْخُدُورِ يَزِينَهُنَّ الظِّيبُ

(همان: ۵۷۰)

ترجمه: ۱. ای یزید آیا این عدالت است که ما در بند اسارت باشیم و شکنجه ما را بلرزاند. ۲. آیا عدالت است که ما سربرهنه باشیم در حالی که چادر و پوشش مشتاق ماست. ۳. و زنان قصر تو پشت چادرهایشان (حجاب و پرده) در سرزمین منی در فراخ و ناز و نعمت باشند و عطر و بوی خوش آنها را زینت دهد.
 الشيخ عبدالکریم صادق^{۲۷}، زینب (س) را «پوشیده در حجاب» مورد خطاب قرار داده و به شرم و ترس زینب (س)، به علت برداشته شدن حجابش و غارت کاروان و ربودن زیور و زینت زنان توسط دشمنان در عصر عاشورا اشاره کرده است، در حالی که آنان هیچگونه حامی و محافظی نداشته و مردان و نگهبانان کاروانشان شهید شده بودند:

۱. يَا رَبَّةَ الْخُدْرِ مَا لَأَقَيْتَ مِنْ خِجَلٍ
 عَصْرَ الظُّفُوفِ وَمَا عَانَيْتَ مِنْ وَجَلٍ
 ۲. إِذِ الْكُفَيْلُ مَضَى وَالرَّحْلُ صِيحَ بِهِ
 نَهَبًا وَجُرِّدَتْ مِنْ حُلَى وَمِنْ حُلَلٍ

(به نقل از: شبّر، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۲۷۷)

ترجمه: ۱. ای پوشیده در حجاب، در عصر عاشورا، از شرم چها که نکشیدی و چها که از ترس ندیدی. ۲. آنگاه که محافظ تو کشته و کاروان مورد هجوم و غارت قرار گرفت و تواز زیور و زینت عاری شدی.

کمپانی^{۲۸} در توصیف حجاب و معجز زینب (س) ابیاتی را بیان کرده است که در ضمن آنها، اشارهای به ماجرای «کشیدن معجز» و حجاب توسط کفار از سر زینب (س) و دیگر بانوان اهل بیت عصمت در روز عاشورا و گله و شکایت ایشان از روزگار و این اتفاق دارد:

در بند خصم بسته
 معجز سرکشیده

یک کاروان اسیریم چون مرغ پر شکسته
 ما را حجاب عصمت گردون دون دریده

(کمپانی، ۱۳۶۴: ۱۰۷)

ای برادر ســـــر برآر و بپرس چه شد ای غمدیده خواهر معجرتو
(همان)

دُر دانه بانوی دهر، بی پرده شهره شهر دوران چه کرده از قهر، با ناز پروریده
(همان، ۲۶۱)

سید حمیدرضا برقی، عظمت و علو مقام و شأن معجرو حجاب زینب (س) را تا آن پایه دانسته که «تار و پود همه افلاک» و کائنات را با نخی از معجرو روستی ایشان برابر دانسته و اقرار کرده که سرودن از شخصیت زینب (س) برای کار بس دشوار بوده و خداوند را روایتگر ایشان معرفی کرده است؛ زیرا در بیان وی زینب (س) تمامی صفات و مصائب پدر و مادرش را به ارث برده و این دو شخصیت در وجود زینب کبری (س) تجلی پیدا کرده‌اند:

چه بگویم به خدا از تو سرودن سخت است
هم علی بودن و هم فاطمه بودن سخت است
چه بگویم که خداوند روایتگر توست
تار و پود همه افلاک نخ معجرتوست
به نقل از: (<http://heydariam.ir>)

نتیجه

شاعران معاصر عربی و فارسی در ارائه سیمای زینب کبری (س) بیشتر از تصاویر و صناعات بلاغی کلاسیک و تکراری سود جست‌هاند و نوآوری شگرفی در آثارشان به چشم نمی‌خورد؛ جز در مواردی معدود و بخش اعظم و غالب تصاویر شعری آنان، جنبه حسّی داشته و کمتر از تصاویر مجازی، یا به نوعی تخیلی و ذهنی استفاده کرده‌اند؛ اگر هم مواردی وجود دارد بسیار اندک و محدود است.

به طور کلی با بررسی محتوای شعر معاصر حسینی و زینبی و نگاه مقایسه‌ای نسبت به محتوای شعری در دوره‌های گذشته، تفاوت عمده‌ای که به چشم

میخورد، وجود روح حماسه و امید به زندگی در شعر معاصر مییابد که در قرون گذشته به سمت نومیدی و خاموشی سوق داده شده بود.

اگرچه در بیان ویژگیهای شخصیتی و شرح وضعیت روحی و جسمی و پردازش به سیمای زینب کبری (س)، اشعار شاعران غالباً رنگ و بوی ماتم دارد ولی مدح فضایل حضرت نیز، شعر بیشتر شاعران را طراوت بخشیده است که این مشخصه در شعر فارسی، نسبت به شعر عربی، نمود بیشتری داشته و شاعران فارسی زبان به اعمال، رفتار و شخصیت زینب (س)، بیشتر رنگ حماسی زدهاند تا رثا و شکست و خواری.

سیمای حضرت زینب (س) در شعر فارسی نسبت به شعر عربی، نمود و برجستگی بیشتری داشته است.

شاعران معاصر فارسی و عربی، در بیان ویژگیهای شخصیتی حضرت زینب (س)، در برخی مضامین با یکدیگر دارای اشتراکاتی هستند که عبارتند از:

۱. صبر و شکیبایی، این شاعران مقام صبر زینب (س) را همسنگ و برابر مقام شکیبایی حضرت علی (ع) میدانند که برای مسلمانان معیار صبر و بردباری است.
۲. شجاعت و شهامت زینب (س)، که شاعران، ایشان را به شیری شجاع و غرّنده و حضرت علی (ع) مانند کردهاند.
۳. فصاحت و بلاغت زینب کبری (س) در شعر معاصر عربی و فارسی به زیبایی ستوده شده است، تا جایی که شاعران تأثیر سخنان فصیح و پرصلابت و کوبنده ایشان را در ماندگاری قیام کربلا، هم شأن خون والای امام حسین (ع) و به ثمر رساننده این نهضت می دانند. در شعر شاعران فارسی این ویژگی حضرت زینب (س) بیشتر با اشاره به صفت فصاحت و بلاغت و سخنوری و بزرگی کلام حضرت علی (ع) بیان گردیده است. کاربرد ویژگیهای شخصیتی حضرت علی (ع) در توصیف شخصیت و سیمای زینب کبری (س) از قسمت‌ها و ویژگیهای مهم و مشترک شعر معاصر عربی و فارسی است، هنگامی که سخن از شجاعت و دلیری، فصاحت و بلاغت، ایثار و جوانمردی ایشان به میان می‌آید، سیمای ایشان در آیینۀ شخصیت حضرت علی (ع) نمایانده می‌شود.

۴. در مسألهٔ اسارت که ایشان با اسارت خویش به همگان درس آزادی و آزادگی داد؛ شاعران فارسی بیشتر از عربی به این مسأله توجه کرده‌اند. البته در گفتار برخی از شاعران عرب اسارت ایشان توأم با حقارت و خواری بیان گردیده است که این مطلب می‌تواند از وجوه تمایز دیدگاه برخی از شعرای عربی با فارسی نیز باشد. ۵. اصالت و نسب نیکو، در بیان اصالت زینب (س) ایشان را با توجه به نسب نکوی وی و با تعبیری چون دختر علی (ع) و نوهٔ پیامبر (ص) و دختر فاطمه (س) معرفی کرده‌اند. ۶. موضوع حجاب حضرت زینب (س)، که به صورت گسترده به تصویر کشیده شده است و تقریباً همهٔ این شاعران به ماجرای کشیده شدن حجاب و نقاب از سر و صورت زینب (س) و دیگر بانوان خاندان اهل بیت (ع) اشاره کرده‌اند.

پی‌نوشتها

(Endnotes)

۱. شیخ عبدالمنعم الفرطوسی مشهور به ادیب و شاعر معاصر اهل بیت در سال ۱۳۳۵ هـ ق در روستای «الرقاصه» در نجف اشرف به دنیا آمد. فقه و اصول را در محضر «سید محمد باقر احسائی» آموخت. در میان شاعران قرن بیستم مسئولیت سنگین دفاع از اهل بیت (ع) و به کارگیری شعر و ادب در خدمت دین و اسلام را احساس می‌کرد، در اغراض مختلف مدح، رثا، غزل و وصف شعر سروده است. مهم‌ترین آثار شاعر دیوان اوست اما بیش تر شهرت وی از کتاب «ملحمهٔ اهل بیت» در هشت جزء می‌باشد و ابیاتش از چهل هزار بیت متجاوز است. او در سال ۱۴۴۰ هـ ق وفات یافت و در جوار حرم امیرالمؤمنین (ع) دفن گردید.

(الفرطوسی، ۱۹۶۶ م: ج ۱، ص ۱۷)

۲. احمد وائلی در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۴۲ هـ ق در شهر نجف دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی خود را در همان شهر سپری نمود و در سال ۱۳۸۹ هـ ق در رشته فقه اسلامی از دانشگاه بغداد فوق لیسانس دریافت کرد و در سال ۱۳۹۲ هـ ق موفق به اخذ مدرک دکترا از دانشگاه قاهره گردید سپس به عراق بازگشت و دانش خود را در خدمت خواسته‌های ملت خویش قرار داد و شعرهایش در نشریه‌های گوناگون جهان به چاپ رسید. این شاعر

شیعی محتوای شعر دینی خود را در خدمت نیازها و چالش‌های موجود در جهان اسلام قرار داد. شعر دینی وی شامل فضایل اهل بیت و ستایش پروردگار و تهذیب اخلاقی است. (الوائلی، ۱۹۹۸م، ۹۰-۹۸)

۳. سید رضا بن سید هاشم تقوی رضوی موسوی هندی لکهنویبی به سال ۱۲۹۰ هـ.ق در نجف متولد شد و در سال ۱۲۹۸ هـ.ق همراه پدر به سامرا رفت، وی پس از ۱۳ سال به نجف برگشته و بقیه عمر را در آنجا در طلب علم گذرانید. از تألیفات او «المیزان العادل بین الحق و الباطل فی الرد الکتائیین»، «بلغة الراحل فی الأخلاق و المعتقدات»، «الوافی فی شرح الکافی فی العروض و القوافی»، «شرح غایة الایجاز فی الفقه» وی به سال ۱۳۶۲ هـ.ق در قریه ای نزدیک نجف وفات یافت و او را در نجف دفن کردند. (ادب الطف، جلد ۹: ۲۴۲-۲۴۳)

۴. بولس سلامه در سال ۱۹۱۰ در شهرستان جزین لبنان به دنیا آمد و در دانشگاه یسوعی لبنان در رشته حقوق ادامه تحصیل داد، سپس به شغل قضاوت پرداخت. او آثار ادبی و فکری بسیاری از خود به جای گذاشته است. سلامه در سال ۱۹۷۹ وفات یافت. از آثار معروف او «ملحمة ایام العرب» و «ملحمة عید الغدیر» است. (خزعلی، ۱۳۸۳: ۳۳۲)

۵. سعید العسیلی (۱۳۴۸-۱۴۱۳) (۱۹۲۹-۱۹۹۴) از شاعران معاصر لبنان است، در روستای «رشاف» جبل عامل لبنان به دنیا آمد. از کودکی به شعر و ادبیات پرداخت در سال ۱۹۴۸م وارد نیروی انتظامی شد و پس از سی سال خدمت در آنجا، اولین دیوان شعری اش را که به شاعر الحزین معروف است منتشر کرد و سپس به سرودن حماسه‌هایی در مورد تاریخ اسلام و زندگانی اهل بیت پرداخت و چهار حماسه عظیم و پرحجم پدید آورد. حماسه زیبای وی در مورد امام حسین (ع) به نام ملحمة الکربراء معروف است برخی از آثارش: مولد النور، ابوطالب کفیل الرسول، الحسن و علی. (العسیلی، ۱۹۹۲: ص ۵-۱۸)

۶. دکتر سید حسن حسینی (۱۳۳۵-۱۳۸۳) در محله سلسبیل تهران در خانواده‌ای متوسط، بزرگ شد پس از طی تحصیلات ابتدایی در سال ۱۳۵۳ دیپلم گرفت. کارشناسی تغذیه را در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه مشهد گرفت. در سال ۱۳۶۹ در مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی فارغ التحصیل شد، عمده شهرت او در شعر و به واسطه دو مجموعه شعر «هم صدا با حلق اسماعیل ۱۳۶۳» و «گنجشک و جبرئیل ۱۳۶۴» است که مضامین آنها عمدتاً بر محور عاشورا

و کربلاست. (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ش: ۱۲)

۷. سلمان هراتی در بهار ۱۳۸۸ در روستای مَرزَدَشْتِ خرم آباد تنکابن به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به اتمام رساند. مقطع دبیرستان را در خرم آباد تنکابن در رشته ادبی شبانه گذراند بعد از گرفتن دیپلم و قبولی در رشته هنر در مرکز تربیت معلم تهران به ادامه تحصیل مشغول و پس از فارغ التحصیل شدن به عنوان معلم «هنر» روانه یکی از روستاهای شهرستان لنگرود به نام واجارگاه شد. در سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد. وی در سن ۲۷ سالگی در نهم آبان ۱۳۶۵ در اثر سانحه تصادف از دنیا رفت. سه مجموعه شعر نفیس به نام: از آسمان سبز، دری به خانه خورشید، از این ستاره تا آن ستاره دارد که مجموعه اول در زمان حیاتش و دو مجموعه دیگر پس از مرگش چاپ شد. (علی پور، ۱۳۸۸: ۸-۹)

۸. طاهره صفارزاده متولد ۱۳۱۵ در سیرجان و فارغ التحصیل دکترای زبان خارجه است که در طی سفرهای خارج از کشور خود با هنر و ادبیات مدرن اروپا آشنا شد. شاخصترین ویژگی صفارزاده، نگرش روشنفکرانه و انسان مدارانه توأم با مایه‌های دینی-اسطوره‌های، بیان روایی نثرگونه، بهره‌گیری از طنز تلخ اجتماعی است؛ مجموعه‌های طنین در دل‌تا (۱۳۴۹)، سد و بازوان (۱۳۵۰)، سفر پنجم (۱۳۶۵)، حاکی از همین خصایص است. صفارزاده متأثر از فرهنگ شعری غرب، همواره با ضعف و شدت، جانب فرم را نیز نگه داشته است. وی در سال ۱۳۸۷ از دنیا رفت. (روزبه، ۱۳۸۱: ۲۵۹)

۹. محمد جواد غفورزاده شفق در سال ۱۳۲۲ در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود. تحصیلاتش را در مشهد ادامه داد و از دوران دبیرستان به تدریج سرودن شعر را به صورت جدی پی‌گیری کرد. وی در ۲۴ سالگی به استخدام اداره کل دادگستری خراسان درآمد اما پس از پیروزی انقلاب به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان منتقل شد. آخرین مسئولیتش ریاست اداره امور فرهنگی آستان قدس و مسئول انجمن ادبی آنجا می‌باشد. اشعار شفق همچون دیگر شاعران خراسانی دارای ساختاری مستحکم و نظام‌مند است و در عین حال با بیانی سهل ممتنع می‌باشد (سایت عقیق، ۲۹ فروردین ۱۳۹۲)

۱۰. قاسم رسا، متولد تهران (۱۲۹۰) در ده سالگی با والدین خود به مشهد رفت و در همان جا مسکن گزید. او به مداحی اهل بیت (ع) افتخار میکند. در سال ۱۳۰۹ در تهران وارد دانشکده

پزشکی شد و در سال ۱۳۱۵ از طب فراغت یافت و در خدمت وزارت بهداری درآمد. وی اشعار نغز بسیاری سروده است، آثار منظوم وی مشتمل بر قصاید، غزلیات، مثنویات و رباعیات دربارهٔ امور دینی، اخلاقی است. رسا قسمتی از سخنان نبی اکرم (ص) و کلمات قصار حضرت علی (ع) را به نظم درآورده است. (رسا، ۱۳۴۰: ۳-۴)

۱۱. سیدرضا مؤید در سال ۱۳۲۱ ش در مشهد در خانواده‌های مذهبی متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی به شغل آزاد روی آورد. مؤید با مطالعهٔ دیوان سایر شعرا از آغاز جوانی به سرودن اشعار به ویژه مدایح و مرثیاتی مذهبی پرداخت، وی از شاعران نذم‌وراهل بیت پیامبر (ص) به شمار می‌رود. از مؤید تاکنون سه دفتر به نام «گل‌های اشک»، «جلوه‌های رسالت» و «نغمه‌های ولایت» منتشر شده است. (کافی، ۱۳۸۶: ۶۴۲)

۱۲. حسین اسرافیلی در سال ۱۳۳۰ در تبریز متولد شد و تا حدود ۹ سالگی در آنجا ساکن بود، پس از آن به تهران نقل مکان کرد. اولین اثر مستقل او کتاب تولد در میدان است که در سال ۱۳۶۴ به وسیله حوزه هنری چاپ و منتشر شد. او تحصیلاتش را تا سطح دیپلم ادبیات ادامه داده و با حوزهٔ هنری از ابتدای تشکیل تاکنون همکاری داشته است. فعالیت‌های دیگر او شامل: مسئول فرهنگی نشریهٔ پیام انقلاب، عضو شورای شعرسازمان صدا و سیما و ... می‌باشد. ادبیات معاصر شمارهٔ ۵ (نیستان) او به زبان عربی ترجمه و چاپ شده است. از دیگر آثار او آتش در خیمه‌ها، در سایهٔ ذوالفقار، عبور از صاعقه، مردان آتش‌نهاد، آتش در گلو، مثل آتش که در دل سنگ، شرحه شرحه آتش می‌باشد. (مؤسسهٔ فرهنگی هنری فرهنگ عاشورا- دزفول ۱۰/ آبان ۱۳۹۳)

۱۳. سید حمیدرضا برقی متولد سال ۱۳۶۲ در قم است، دو سال طلبگی خوانده و اکنون دانشجوی رشته ادبیات است، وی در قالب‌های مختلف شعری به هنرنمایی پرداخته و در غزل سرایی طبیعی روان و قریحه‌ای سیال دارد. بیشتر آثار وی محتوای آیینی داشته و در منقبت و رثای ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین سروده شده است، وی در خوانش شعر نیز از توانایی بالایی برخوردار بوده و در بین شاعران جوان شناخته شده است و در چند کنگره شعر مقام اول را کسب کرده و مدتی هم دبیرانجمن شعر قم بوده است. برقی سابقه همکاری با موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی در زمینه شرکت در چندین

شب شعراز جمله "ملکوت هشتم"، "برکه نور"، "از نیزه تا قلم" و غیره را دارد. (<http://nabzezendegi.ir>)

۱۴. دکتر قیصر امین پور در ۲/۲/۱۳۳۸ در گتوند از توابع شهرستان دزفول به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند، در سال ۱۳۵۷ دیپلم تجربی گرفت و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران آغاز کرد. وی در سال ۱۳۵۸ با انصراف از رشته دامپزشکی، به جمع دانشجویان علوم اجتماعی پیوست. در سال ۱۳۶۹ مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی را کسب کرد و در ادامه، در بهمن سال ۱۳۷۶ با دریافت مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. وی عضو شورای شعر و ادبیات حوزه بود سرانجام در آبان ۱۳۸۶ درگذشت. (همشهری آنلاین، ۴ آبان ۱۳۸۶: ساعت ۱۳:۵۹)

۱۵. ابراهیم علوان النصیراوی به سال ۱۳۷۶ ه.ق در استان «العماره» عراق به دنیا آمد پس از پایان دوره راهنمایی در سال ۱۳۳۹ ه.ق به حوزه علمیه نجف اشرف وارد شد و پس از گذراندن مراحل اولیه در درس «آیه الله خوئی» حاضر گردید. برخی از تألیفات او چنین است: «حدیث کربلاء»، «اعلام الفقهاء»، «القواعد الخویه» آنچه به وضوح در اسلوب کتاب حماسی حدیث کربلاء قابل مشاهده است جنبه نقلی و روایی آن است به گونه ای که شاعر خود را به ذکر همه آنچه در روایات از حوادث و خطبه ها آمده، مقید می سازد. نویسنده هدفش به نظم کشیدن حادثه کربلا از جنبه ی تاریخی و به صورت مختصر بوده است. (محمد زاده، ۱۳۸۶: ۶۰۲)

۱۶. حسین آقا ممتحنی مشهور به حمید سبزواری، شاعر معاصر ایرانی است که در سال ۱۳۰۴ در سبزواری به دنیا آمد، پدرش عبدالوهاب پیشه ور سادها ی بود که قریحه شعری داشت؛ سبزواری قبل از مدرسه قرآن را در خانه و نزد مادرش آموخته بود، از سن چهارده سالگی شروع به سرودن شعر کرد، وی ابتدا به شغل معلّمی مشغول بود و بعد از حوادث مرداد ۱۳۳۲ از آموزش و پرورش اخراج و سپس کارمند بانک بازرگانی در تهران شد؛ مهم ترین فعالیت وی شاعری است. سرود درد، سرود سپیده، تو عاشقانه سفرکن و بانگ جرس از آثار اوست. (روزنامه کیهان فرهنگی، ۱۳۸۱: ۶-۱۳)

۱۷. سید علی موسوی گرمارودی، در سال ۱۳۲۰ در قم به دنیا آمد، پدرش، حجت الاسلام سید

محمد موسوی گرمارودی، از دانشمندان اهل گرمارود الموت قزوین بود، مدرک کارشناسیاش را در رشته علوم قضایی و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران گرفته است؛ او در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور موثری داشته است که راهاندازی و مدیریت گلچرخ، نمونه‌های از تلاشهای اوست، کارنامه شعرگرمارودی مشتمل بر نه کتاب است از جمله: عبور، در سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دستچین، باران اخم، گزیده شعرنیستان، صدای سبز زندگی و... (گرمارودی، ۱۳۸۳: ۱۸)

۱۸. شیخ مهدی مطرپسر عالم مجاهد شیخ عبدالحسین مطربه سال ۱۳۱۸ ه.ق متولد شد. او بزرگترین شاعر زمان خود بود و دیوانی مخطوط دارد که به چاپ رسیده است. وی به سال ۱۳۹۵ ه.ق وفات یافت. (ادب الطف، ج ۱۰: ۲۹۲)

۱۹. محمد علی مجاهدی ملقب به «شمس الدین» و متخلص به «پروانه» در سال ۱۳۲۲ ش در قم دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و از آن پس به استخدام آموزش و پرورش درآمد. آثارش عبارتند از تذکره سخنوران قم، تصحیح دیوان شرربه نام فغان دل، تصحیح گنجینه اسرار عمان سامانی، تصحیح دیوان آیت الله کمپانی، خوشه‌های طلایی، سیری در ملکوت، گلبانگ توحید، بال سرخ قنوت، «شکوه شعر عاشورایی» که اثر تحقیقی وی در باره شعر عاشورا است و چند اثر و تألیف دیگر. (کافی، ۱۳۸۶: ۶۴۶)

۲۰. سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار، به سال ۱۲۸۵ ه.ش در تبریز متولد شد، دوران کودکی شهریار مصادف با ایام انقلاب تبریز و نهضت مشروطه بود، وی تحصیلات خود را در تبریز آغاز کرد و در مدرسه دارالفنون تهران به پایان برد، در انواع شعر سنتی فارسی مهارت داشت و در سبک نیمایی نیز طبع آزمایی کرد و قطعات زیبایی نیز سرود، منظومه سلام به حیدر بابای او که به زبان فارسی هم ترجمه شده از شاهکارهای ادبیات ترکی است، وی در سال ۱۳۶۸ درگذشت و در مقبرة الشعراى سرخاب تبریز مدفون شد. (یاحقى، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۷)

۲۱. قادر طهماسبی شاعرو محقق معاصر متخلص به فرید در شهرستان میانه متولد شد. دبستان و دبیرستان را در همان شهر گذرانید، پس از آن جهت کسب علم، اقامت کوتاه

و بلند در شهرهایی چون شیراز، مشهد، تبریز و اصفهان داشت. در مراکز چونی کانون پرورش فکری کودکان، آموزش و پرورش، ستاد تبلیغات جنگ و دانشگاه مشغول بوده است. وی به عضویت هیأت علمی دانشکده ادبیات اصفهان منصوب شد اما جهت پرداختن به پیشه شاعری انصراف داد. اشعار وی غالباً رویکردی اجتماعی، انتقادی دارند. آثار او عبارتند از: عشق بی غروب، به رنگ خون، شکوفه‌های فریاد، ترینه‌ها، پری شدگان، پری ستاره‌ها، پری بهانه‌ها، رمان تلاوت. (نائبی، ۱۳۹۳: ۶۵)

۲۲. علی اکبر صلح خواه معروف به خوشدل تهرانی، در شوال ۱۳۳۲ (۱۲۹۳/۴/۹) به دنیا آمد، پدرش مرحوم حاج رحیم فرزند مهدی بیگ کرمانشاهی و مادرش اهل کاشان بود، وی تحصیلاتش را تا دیپلم در دبیرستان ثروت که بعداً به نام ایران شهر تغییر کرد گذراند، در تهران، اصفهان و شیراز، ادبیات و منطق و فلسفه را آموخت و به عراق، ترکیه، مصر، افغانستان و... مسافرت کرد، وی چهار بار به زیارت خانه کعبه نائل گردید و برای هریک از چهارده معصوم، هفتاد و یک قصیده سروده است. خوشدل، در غزل و قصیده و قطعه و مثنوی، شعر می‌سرود و در غزل به شیوه صائب معتقد بود. خوشدل بیشتر به عنوان یک شاعر مذهبی و مدیحه‌سرا شناخته شده است. در این میان مرثیه معروف «فلسفه بزرگ نهضت حسین» از معروف‌ترین آثار اوست. همچنین علاوه بر دیوان کامل وی که چند روز قبل از فوتش منتشر شد؛ گلشن خوشدل، عمده‌الاسرار و دیوان غزلیات از جمله آثار اوست. وی سرانجام در دوم مهرماه ۱۳۶۵ در ۷۲ سالگی درگذشت و در آستانه شیخ صدوق در ری مدفون شد. (خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: مقدمه)

۲۳. محسن بن محمد حویزی حائری مشهور به «ابوالحب» به سال ۱۲۳۵ هـ.ق به دنیا آمد. او به خانواده معروف «آل ابی‌الحب» منتسب است که نسبت آنها به خثعم می‌رسد. این خانواده جهت فراگیری علم از هویزه به کربلا مهاجرت نمودند. او در محافل بزرگ حسینی به عنوان خطیبی بارز و ادیبی توانا شناخته شد. وی در سال ۱۳۰۵ هـ.ق در کربلا وفات یافت و از خود دیوان شعر مخطوطی به جای نهاد که پس از او به چاپ رسید. (ادب‌الطف، ج ۸: ۵۶)

۲۴. سید محمد جمال الهاشمی بن آیت‌الله العظمی والعلامه الورع حاج سید جمال‌الدین موسوی گلپایگانی از علماء و مدرسین بزرگ معاصر نجف اشرف، در سال ۱۳۳۲ قمری در

نجف اشرف متولد شد و در بیت علم و تقوا و معنویت و فضیلت پرورش یافت و پس از خواندن اولیات و ادبیات و سطوح از محضر والد ماجدش و مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی و آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیت الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی و بعضی دیگر استفاده نمود تا به مراتب عالیه علم و اجتهاد رسید این عالم جلیل دارای تالیفاتی متعدد بوده از جمله: کتاب الزهراء، تاریخ الادب العربي، الادب الجدید در ۴ جلد، الادب القدیم در شرح حال ۷۰۰ شاعر عرب زبان و فارسی گوی، دیوان الهاشمی در ۲ جلد و... مرحوم علامه محمد جمال هاشمی گلپایگانی (در سال ۱۳۹۷ هجری قمری) در سن ۶۷ سالگی از دنیا رفت. (<http://thesaurus.islamicdoc.org>)

۲۵. جوزف الهاشم (وزیر سابق) شاعر مسیحی معاصر در سال ۱۹۳۵م در روستای «برجین» در منطقه شوف لبنان به دنیا آمد.

افتخارش این بود که از سلاله هاشمیان است. در دانشگاه «القدیس یوسف» رشته زبان و ادبیات عربی را گذراند و شروع به تدریس در مراکز علمی کرد. وی در روزنامه‌ها فعالیت داشت و سپس به حزب «الکتائب» پیوست و به مناصب حکومتی مثل وزارت اقتصاد، پست و تلگراف و تلفن و... مشغول شد. محیط زندگی او در لبنان و خانواده مذهبی اش او را به سمت اهل بیت (ع) سوق داد. مهم‌ترین آثار او: الفارابی، العلویات... است. (الهاشم، ۱۴۲۰م: ۱۰)

۲۶. حبیب الله چایچیان، متخلص به «حسان» (مداح اهل بیت)، فرزند محمد حسین، در سال ۱۳۰۲ هـ.ش در تبریز چشم به جهان گشود، شش ساله بود که همراه خانواده اش به تهران مهاجرت کرد. وی تحصیلات خود را در تهران در مدرسه ایران و آلمان به پایان رسانید، از آن پس به استخدام بانک ملی درآمد. حسان دارای چهار فرزند است که هر چهار تن شاعرند و قریحه شاعری را از پدر به ارث برده اند. گلهای پرپر، خزان گلریز، باغستان عشق، زینب بانوی قهرمان کربلا (ترجمه)، الله اکبر و... از آثار اوست. (سایت اینترنتی گلستانه، ۱۳۹۰/۴/۵، ساعت ۱۲:۳۵)

۲۷. الشیخ عبدالکریم الصادق عالمی از علمای برجسته و یکی از بزرگترین حاکمان شرعی بود که در ایمان و پارسایی و پاکی زبانزد است. در نجف و لبنان زیست و مرشد و مصلحی

بود که همه عمر شریف خویش را صرف اصلاح امور مردم و جامع کرد و این عجیب نیست زیرا که او در خانواده بزرگی زیست که از علم و تقوا بهرمنند بودند. وی فرزند مردی شجاع و بزرگ به نام شیخ عبدالحسین صادق بود و دو برادر به نامهای محمد تقی و حسن صادق داشت. شیخ عبدالکریم به صفات برجسته‌های چون تقوا، زهد و عفاف و کنارگیری از دنیا و زخارف آن آراسته بود. وی در سال ۱۳۹۲ وفات یافت. (همان، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۲۷۳)

۲۸. حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی مشهور به «کمپانی» و متخلص به «مفتقر» فقیه و اصولی برجسته شیعی است در محرم سال ۱۲۹۶ در کاظمین در خانواده‌های شریف به دنیا آمد. پدرش بازرگان موقفی بود. برایش میزرات هنگفتی باقی گذاشت که در راه تحصیل او به مصرف رسید. تألیفاتش عبارتند از: حاشیه بر کفایه الاصول، حاشیه بر مکاسب، رساله‌های در اجتهاد و تقلید، رساله‌های در طهارت، نماز جمعه، نماز مسافر، منظومه‌هایی در مدح رسول الله و مراثی اهل بیت و روزه و اعتکاف، دیوان شعر فارسی، غزلهای عرفانی و دیوانی در مدایح و مراثی اهل بیت. وی در پنجم ماه ذی الحجه سال ۱۳۶۱ در زنجف اشرف درگذشت. (کافی، ۱۳۸۶: ۵۵۴)

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم. (۱۳۷۳). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات و معارف اسلامی.
۲. ابن طاووس، سید علی بن موسی. (۱۳۹۰). اللهوف علی قتلی الطفوف. ترجمه محمد اسکندری. چاپ چهارم. تهران. پیام عدالت.
۳. اسرافیلی، حسین. (۱۳۸۳). شرحه شرحه آتش. چاپ اول. تهران. خورشید باران.
۴. امین پور، قیصر. (۱۳۷۳). ظهر روز دهم. چاپ اول. تهران. سروش.
۵. بارا، آنتوان. (۱۳۸۱). امام حسین در اندیشه مسیحیت. ترجمه فرامرز میرزایی - علی باقر طاهری نیا. دانشگاه بوعلی سینا و شوق دانش. همدان.
۶. البحرانی، حسین سلیمان. (۱۴۲۶هـ). ریاض المدح و الرثاء. تحقیق حسن عبدالأمیر محمد. طبع الاولى. بیروت. دارالحوراء.
۷. پروینی، خلیل. (۱۳۸۹). «نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی: گامی مهم در راستای آسیب زدایی

- از ادبیات تطبیقی». مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. شماره ۱۴. صص ۸۰-۵۵.
۸. جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۸). تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی. ج ۷. بی جا: اسلامی.
۹. الحسن، عبدالله. (۱۴۱۸هـ). لیلۃ عاشوراء فی الحدیث و الأدب. طبع الاولی.
۱۰. حسینی، سید حسن. (۱۳۸۶). گنجشک و جبرئیل. چاپ ششم. تهران. افق.
۱۱. حسینی، سید جواد. (۱۳۸۱). «فضائل و مناقب حضرت زینب علیها السلام». مبلغان. شماره ۳۳، دفتر تبلیغات اسلامی، صص ۴۵-۳۴.
۱۲. خزعلی، انسیه. (۱۳۸۳). امام حسین در شعر معاصر عربی. چاپ اول. تهران. امیرکبیر.
۱۳. خوشدل تهرانی، علی اکبر. (۱۳۷۰). دیوان. چاپ دوم. تهران. نشر ما.
۱۴. ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۵). سر دلبران (معرفی چهره‌های ادب معاصر ایران). چاپ اول. تهران. مازیار.
۱۵. رسا، قاسم. (۱۳۴۰). دیوان. چاپ اول. تهران. بهمن.
۱۶. روزبه، محمدرضا. (۱۳۸۱). ادبیات معاصر ایران (شعر). چاپ اول. تهران. روزگار.
۱۷. زیارت نامه حضرت زینب (س).
۱۸. سبزواری، حمید. (۱۳۶۷). دیوان اشعار (سرود درد) دفتر اول. چاپ اول. تهران. مؤسسه کیهان.
۱۹. سیفی، طیبیه و انصاری، نرجس (۱۳۹۳). «السيدة زینب فی مرآة شعر عاشوراء المعاصر) دراسة المقارنة بین الأدیین الفارسی و العربی». الجمعية العلمية الإيرانية للغة العربية و آدابها. فصیلة محكمة، العدد ۳۱، صص ۱۸-۱.
۲۰. شبر، جواد. (۱۴۰۹هـ). ادب الطف أو شعراء الحسین. ج ۸. و ۹ و ۱۰ چاپ اول. بیروت. دارالمرتضی.
۲۱. _____ . (۱۹۸۹م).
۲۲. شرفشاهی، کامران. (۱۳۹۲). «تجلی حضرت زینب (س) در شعر عاشورایی». نقد کتاب. سال پانزدهم. شماره ۶۷-۶۸. صص ۱۵۸-۸۷.
۲۳. شهریار، محمد حسین. (۱۳۸۵). دیوان شهریار، ج ۱. چاپ بیست و هشتم. تهران. نگاه.

۲۴. صفارزاده، طاهره. (۱۳۷۸). گزیده ادبیات معاصر. چاپ اول. تهران. نیستان.
۲۵. طهماسبی، قادر. (۱۳۷۵). عشق بی غروب. تهران. حوزه هنری.
۲۶. العسلی، سعید. (۵۱۴۰۶). کربلاء. طبع الاولی. بیروت. دارالزهراء.
۲۷. _____ (۱۹۹۲م). الفروسیه العربیه فی الجاهلیه و الاسلام. الطبعة الاولی. بیروت. دارالزهراء.
۲۸. علی پور، منوچهر. (۱۳۸۸). سلمان هراتی (مشاهیر ایرانی ۳۶). چاپ اول. تهران. تیرگان.
۲۹. غفورزاده (شفق)، محمدجواد. (۱۳۸۵). قصه عشق (نوحه و مرثیه های عاشورایی). چاپ اول. تهران. مجتمع فرهنگی عاشورا.
۳۰. الفرطوسی، عبدالمنعم. (۱۹۶۶م). دیوان. الطبعة الأولى. نجف. مطبعة الغری الحدیثه.
۳۱. _____ (۱۹۷۸م). ملحمة اهل البيت (ج ۳)، طبع الاولی. بیروت. دارالزهراء.
۳۲. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۶). شرح منظومه ظهر (نقد و تحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا امروز). تهران. مجتمع فرهنگی عاشورا.
۳۳. کمپانی (غروی اصفهانی)، محمد حسین. (۱۳۶۴). دیوان. چاپ هشتم. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۴. مؤید، سیدرضا. (۱۳۷۳). گل های اشک. چاپ سوم. مشهد. علی زاده.
۳۵. مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۸۷). ایستاده باید مُرد (مجموعه شعر). چاپ سوم. قم. جلوه کمال.
۳۶. مجلسی، محمدباقر. (بی تا). بحار الأنوار. ج ۴۵. مؤسسة الوفا.
۳۷. محمدزاده، مرضیه. (۱۳۸۶). دانشنامه شعر عاشورایی. چاپ دوم. تهران. سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۸. موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۶۸). (دستچین)، گزیده هفت مجموعه شعر، چمن لاله. چاپ اول. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۳۹. _____ (۱۳۸۳). «گزیده ای از زندگی نامه خود نوشت سید علی موسوی گرمارودی». نشریه ی گلستان قرآن. شماره ۱۹۴. نیمه اول. ص ۱۸.
۴۰. الموسوی، موسی. (۵۱۴۰۹)، دیوان السیدرضا الموسوی الهندی، تعلیق سید عبدالصاحب الموسوی، بیروت: دارالأضواء.

٤١. ناتل خانلری، پرویز. (١٣٥٣). وزن شعر فارسی. تهران.
٤٢. نائبی، محمّد صادق. (١٣٩٣). مشاهیر میانه. تهران: پردیس دانش.
٤٣. الوائلی، احمد. (٥١٣٧٠). دیوان. طبع الاوّلی. قم: الشریف الرضی.
٤٤. الهاشم، جوزف. (٥١٤٢٠). علویات؛ قصائد من وحی الإمام. الطبعة الاوّلی. بیروت.
٤٥. الهاشمی، سیّد محمّد جمال. (١٩٨٥). دیوان (مع النبی وآله جزء اول). الطبعة الاوّلی. سبهر.
٤٦. یاحقی، جعفر. (١٣٨٩). جویبار لحظه‌ها، جریان‌های ادبی معاصر ایران. چاپ دوازدهم. تهران: جامی.

منابع مجازی

1. www.farsnews.com
2. www.thesaurus.islamicdoc.org
3. www.heydariam.ir
4. www.aghigh.ir
5. www.golestane.net
6. www.aqart.ir
7. www.magiran.com
8. www.roozedahom.com
9. www.hamshahrionline.ir